

[مسئله 17: دوران بین نماز قیامی با ایماء و نماز جلوسی 1](#_Toc88562639)

[بیان أدله قول اول مبنی بر تعین قیام همراه با ایماء به رکوع و سجود 2](#_Toc88562640)

[وجه اول: تقدم اسبق زمانی 2](#_Toc88562641)

[وجه دوم: کلام محقق سیستانی مبنی بر وجود دلیل خاص بر تقدم قیام 2](#_Toc88562642)

[روایت اول: صحیحه جمیل بن دراج 2](#_Toc88562643)

[روایت دوم: صحیحه أبی حمزۀ ثمالی 3](#_Toc88562644)

[روایت سوم: صحیحه حلبی 4](#_Toc88562645)

[روایت چهارم: صحیحه علی بن یقطین 6](#_Toc88562646)

[روایت پنجم: صحیحه حلبی 7](#_Toc88562647)

[عدم تمامیت أدله تقدم قیام با ایماء 8](#_Toc88562648)

[استدلال های دیگر مطرح شده بر لزوم قیام 8](#_Toc88562649)

**موضوع**: دوران امر بین قیام ایمایی و جلوس /قیام /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته در مورد مسئله 17 چهار قول مبنی بر تعین قیام با ایماء و یا جلوس با رکوع یا تخییر و یا احتیاط مطرح شد که ادله قول تعین به قیام مطرح گردید. در این جلسه نیز به ادامه ادله قول به تعین قیام پرداخته می شود.

# مسئله 17: دوران بین نماز قیامی با ایماء و نماز جلوسی

مرحوم سید می فرماید:

«لو دار أمره بين الصلاة قائما مومئا أو جالسا مع الركوع و السجود فالأحوط تكرار الصلاة و في الضيق يتخير بين الأمرين»[[1]](#footnote-1)

بحث در بیان وظیفه کسی بود که مجبور است که یا در مکانی نماز بخواند که سقف مرتفع دارد و می ایستد ولی به خاطر تنگی جا، باید رکوع و سجود را با ایماء انجام دهد، یا مکان دیگری است که سقف آن پایین است، باید نماز نشسته با انجام رکوع و سجود جلوسی به جا آورد. چهار قول در این زمینه مطرح گردید:

1. منسوب به مشهور وجوب نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود است. محقق بروجردی نیز همین نظر را دارند.
2. قول دوم قول به تعین نماز جلوسی همراه با انجام رکوع و سجود است.
3. قول سوم قول به تخییر است.
4. قول چهارم نیز احتیاط به تکرار است.

## بیان أدله قول اول مبنی بر تعین قیام همراه با ایماء به رکوع و سجود

بحث در وجوهی بود که برای قول اول ذکر شد که نماز قیامی همراه با ایماء را متعین می دانستند:

### وجه اول: تقدم اسبق زمانی

یکی از وجوه قول اول تزاحم بین وجوب قیام و رکوع بود که به دلیل سبق زمانی داشتن قیام، آن را مقدم می کردند؛ چرا که یکی از مرجحات باب تزاحم را سبق زمانی می دانستند. ما در جواب عرض کردیم اصلا در واجبات ضمنیه یک عمل، اگر عاجز از جمع بین دو جزء شویم، قواعد تزاحم اعمال نمی شود بلکه بحث تعارض مطرح می شود.

### وجه دوم: کلام محقق سیستانی مبنی بر وجود دلیل خاص بر تقدم قیام

محقق سیستانی فرموده اند که چه قائل به تزاحم و چه قائل به تعارض شویم، در هر صورت از ادله خاصه تعین نماز قیامی استفاده می شود.

#### روایت اول: صحیحه جمیل بن دراج

اولین دلیل ایشان صحیحه جمیل بود که در جلسه گذشته مطرح شد:

«وَ عَنْهُ‌ عَنْ‌ عَلِيٍّ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنِ‌ اِبْنِ‌ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ جَمِيلِ‌ بْنِ‌ دَرَّاجٍ‌ : أَنَّهُ‌ سَأَلَ‌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ‌ مَا حَدُّ الْمَرِيضِ‌ الَّذِي يُصَلِّي قَاعِداً فَقَالَ‌ «إِنَّ‌ الرَّجُلَ‌ لَيُوعَكُ‌ وَ يَحْرَجُ‌ وَ لَكِنَّهُ‌ أَعْلَمُ‌ بِنَفْسِهِ‌ وَ لَكِنْ‌ إِذَا قَوِيَ‌ فَلْيَقُمْ‌»[[2]](#footnote-2)

گفته شده که این روایت بیانگر این است که وظیفه انسان تا می تواند این است که در نماز بایستد. این استدلال دارای اشکال بود:

1. یک اشکال به این روایت این بود که نهایتا به اطلاق می رساند که قیام واجب است و ناظر به فرض تزاحم با رکوع و سجود نیست، لذا با اطلاق دلیل رکوع و سجود تعارض یا تزاحم می کند، بنابراین دلیل خاص محسوب نمی شود.
2. اشکال مهم دیگر نیز این است که اصلا این روایت در مقام بیان از حیث اینکه مواضع وجوب قیام کجا است، نیست. صرفا می فرماید که هر سختی نباید باعث ترک قیام شود، لذا تا وقتی که بیماری منجر به ناتوانی نشود، قیام واجب باید رعایت شود، اما اینکه قیام کجا واجب است و کجا واجب نیست، از این جهت در مقام بیان نیست. حتی در مقام اینکه اگر تزاحم با رکوع کرد چه باید بکنیم، در مقام بیان این مطلب نیز نمی باشد.

سوال در روایت این است که حد مریضی که نماز قیامی بر او واجب نباشد چیست؟ حضرت فرمود که صرف سختی کافی نیست و تا می تواند باید بایستد؛ یعنی بیانگر این است که بهانه نیاورید و به مجرد سختی ننشینید. مثل اینکه کسی به شما می گوید که پیر شده ام و بیمار شده ام، درچه فرضی می توانم نماز نشسته بخوانم؟ در جواب گفته می شود آدم بالأخره بیمار می شود و دچار سختی می شود إن الإنسان علی نفسه بصیرۀ، اگر می توانی بایست، عرف از این خطاب جز اینکه می خواهد بگوید تا به حد عجز عرفی نرسیدید قیام را انجام بدهید، نمی فهمد. المرض الذی لا یصل الی عذر عرفی لایسقط القیام، اما اینکه آیا تزاحم با رکوع و سجود نیز موجب سقوط قیام نمی شود، در مقام بیان این جهت نیست. دقت بفرمایید که این بحث ها بسیار مهم است و در آینده نیز مفید خواهد بود زیرا تک تک ادله اعتبار قیام در حال محدود تر شدن هستند. طبق این اشکال دوم ما، اگر ما هم اطلاق دیگری پیدا نکنیم بر وجوب قیام، ما نیز باید قائل به تعین جلوس شویم؛ زیرا ادله وجوب رکوع و سجود اطلاق دارند؛ مگر اینکه کسی رکوع ایمایی را نیز رکوع بداند که ما عرض کردیم عرفی نیست. بنابراین ما برای اینکه قائل به تزاحم یا تعارض شویم و به نتیجه ی تخییر برسیم باید در دلیل شرطیت قیام اطلاق پیدا کنیم تا تزاحم یا تعارض با دلیل شرطیت رکوع کند، وگرنه اگر یکی یکی در ادله قیام تشکیک کردیم، در آخر نمی توانیم تخییر را نتیجه بگیریم بلکه در آخر باید بگوییم که باید شخص جلوس کند و نماز بخواند؛ زیرا ادله وجوب رکوع و سجود اطلاق دارد.

#### روایت دوم: صحیحه أبی حمزۀ ثمالی

دلیل دومی که محقق سیستانی به عنوان دلیل خاص بر تقدم قیام مطرح کرده اند صحیحه أبی حمزۀ ثمالی است:

«َ عَنْهُ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِياماً وَ قُعُوداً قَالَ الصَّحِيحُ يُصَلِّي قَائِماً وَ قُعُوداً الْمَرِيضُ يُصَلِّي جَالِساً وَ عَلى‏ جُنُوبِهِمْ الَّذِي يَكُونُ أَضْعَفَ مِنَ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي جَالِساً»[[3]](#footnote-3)

البته بهتر است که از این روایت تعبیر به مصححه شود؛ زیرا حسن بن محبوب از ابی حمزه نقل می کند و محقق بروجردی اشکال کرده است که به دلیل فاصله زمانی بین دو راوی، شبهه ارسال وجود دارد، ولی ما گفتیم بعید نیست که از کتاب ابی حمرۀ ثمالی نقل کرده باشد ولو اینکه طبقه اش با او سازگار نیست.

گفته شده که الصحیح یصلی قائما یعنی القادر یصلی قائما و اطلاق دارد. یعنی اگر قادر بر رکوع سجود نیستید بایستید و ایماء به رکوع و سجود کنید. کسی نماز نشسته می خواند که عاجز از ایستاده باشد، شما که در این فرض محل بحث عاجز از قیام نیستید باید قیام کنید. این استدلال نیز دارای اشکال است:

1. اولین اشکال به این روایت این است که نهایتا روایت اطلاق دارد و با ادله رکوع و سجود تعارض یا تزاحم می کند. فرض روایت این نیست که دوران امر بین نماز ایستاده با ایمائ یا نماز نشسته با رکوع و سجود باشد و امام اینطور فرموده باشند، بلکه از اطلاق می خواهیم استفاده کنیم واین اطلاق با اطلاق دلیل رکوع و سجود تعارض یا تزاحم می کند.
2. ثانیا همانطور که شیخ أنصاری در کتاب الصلاۀ و محقق همدانی فرموده اند: بعید نیست که یصلی قائما ناظر به نما زهای متعارف قیامیه باشد که مشتمل بر نماز قیامی و سجود است. انسان سالم نماز ایستاده می خواند. اطلاق این دلیل مشکل است که شامل کسی شود که عاجز از رکوع و سجود اختیاری است. اگر می گفت «قم فی صلاتک» اطلاق داشت، ولی یصلی قائما، در ذهن عرف همین نماز های متعارفی می آید که ما می خوانیم، نه نماز ایستاده با ایماء به رکوع و سجود، و لاأقل من الشک و دیگر قابل تمسک نخواهد بود. شیخ أنصاری و محقق همدانی ادعای انصراف کرده اند که فرمایش بعیدی نیست[[4]](#footnote-4).

#### روایت سوم: صحیحه حلبی

«سَأَلَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَقَالَ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ يَصُفُّ رِجْلَيْهِ- فَإِنْ دَارَتْ وَ اسْتَطَاعَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ فَلْيَفْعَلْ وَ إِلَّا فَلْيُصَلِّ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ وَ إِنْ أَمْكَنَهُ الْقِيَامُ فَلْيُصَلِّ قَائِماً وَ إِلَّا فَلْيَقْعُدْ ثُمَّ يُصَلِّي»[[5]](#footnote-5)

ایشان فرموده اند سوال در این روایت از نماز در کشتی است و متعارف در نماز در کشتی این است که انسان وقتی ایستاده نماز می خواند، به صورت ایمائی می خواند، لذا در صحیحه ابن ابی عمیر نقل شده است: « الصَّلَاةُ فِي السَّفِينَةِ إِيمَاءٌ»[[6]](#footnote-6)

روایت مرسل است ولی مرسل صحیح است؛ زیرا از آنجایی که تعبیر به «غیر واحد من أصحابنا» آورده است، نمی شد که تمام مشایخی که ابن ابی عمیر نقل می کند ضعاف باشند، عرف از غیر واحد سه نفر به بالا را برداشت می کند و اینکه همه ی این ها ضعاف بوده باشند احتمال عرفی ندارد لذا روایت صحیحه است. طبق این روایت نماز متعارف در کشتی به نحو ایماء است؛ زیرا آدم که ایستاده نماز می خواند اگر بخواهد رکوع و سجود اختیاری کند خوف افتادن وجود دارد.

به نظر ما این استدلال نیز ناتمام است:

1. اما صحیحه حماد به نظر ما وقتی می گوید فلیصل قائما، انصراف به نماز های متعارف دارد که همراه با رکوع و سجود است و لاأقل حاکم بر خصوص فرضی که اگر بایستد دیگر رکوع و سجود نمی تواند انجام دهد، نیست، نهایتا اطلاق دارد و با اطلاق دلیل رکوع و سجود تعارض می کند.
2. اینکه محقق سیستانی می فرماید که ظاهر روایت ابن ابی عمیر این است که متعارف در کشتی این است که در کشتی مجبور هستید ایمائی نماز بخوانید انصافا اطلاق ندارد که بخواهد صورت متعارف را بفرماید؛ یعنی این روایت در مقام بیان قضیه حقیقیه نیست بلکه صرفا بیانگر این است که در معرض این هستید که در کشتی نمازتان ایمایی باشد؛ چه بسا اگر بنشینید نیز باید ایماء کنید زیرا اگربنشینید نیز بالأخره تکان می خورید و این تکان خوردن کشتی های کوچک را در معرض واژگونی قرار می دهد. باید شخص محکم بچسبد که به زمین نیفتد و یا واژگون نشود. قضیه حقیقیه نیست که همه جا اینطور باشد، صرفا می گوید در معرض سقوط هستید؛ لذا در برخی از روایات تفصیل داده اند؛ به عنوان مثال در روایت هارون بن حمزۀ غنوی آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَقَالَ إِذَا كَانَتْ مُحَمَّلَةً ثَقِيلَةً إِذَا قُمْتَ فِيهَا لَمْ تَحَرَّكْ فَصَلِّ قَائِماً وَ إِنْ كَانَتْ خَفِيفَةً تَكَفَّأُ فَصَلِّ قَاعِداً».[[7]](#footnote-7)

فرموده اند اگر کشتی سنگین است که اگر بایستید کشتی تکان نمی خورد، اشکالی ندارد ایستاده بخوانید ولی اگر سبک است که در صورت ایستاده خواندن شما، فشار می آید و تکان می خورد، نشسته بخوانید. بنابراین اینطور نیست که بگوییم متعارف در کشتی این بود که افراد مجبور بوده اند که ایماء به رکوع و سجود کنند ولی وقتی بنشینند رکوع اختیاری به جا آورند و بعد امام فرموده است که نماز در کشتی را با ایماء و ایستاده بخوانید. این مطلب را نمی رساند.

#### روایت چهارم: صحیحه علی بن یقطین

روایت چهارم صحیحه علی بن یقطین است:

«أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّفِينَةِ لَمْ يَقْدِرْ صَاحِبُهَا عَلَى الْقِيَامِ أَ يُصَلِّي وَ هُوَ جَالِسٌ يُومِئُ أَوْ يَسْجُدُ قَالَ يَقُومُ وَ إِنْ حَنَى ظَهْرَهُ»[[8]](#footnote-8)

محقق سیستانی فرموده اند یقوم و ان حنی ظهره شامل جایی می شود که این شخص اگر بایستد متمکن از سجود اختیاری نباشد و مجبور شود ایماء به سجود کند. مخصوصا که بعد از آن تعبیر «یومی أو یسجد» را آورده است که معلوم می شود این اطلاق مد نظر است که در حال قیام نیز چه بسا مجبور به ایماء است. حضرت فرمودند که قیام کند ولو اینکه ایماء به سجود کند. یعنی شامل این فرض می شود. گفته نشود که در خصوص ایماء به سجود فرض شده است، و ایماء به رکوع را شامل نمی شود، جواب می دهند که عرفا فرقی بین سجود و رکوع نیست و اطلاق روایت فرض ایماء به رکوع را نیز شامل می شود.

روشن نیست که در روایت صاحبنا چه کسی است آیا صاحب سفینه و ناخدا است یا راکب سفینه است. البته فرقی ندارد. ولی ناخدای کشتی اگر مراد باشد چه بسا به خاطر ناخدا بودن نمی تواند نماز اختیاری بخواند و باید حواسش به کشتی باشد. ولی از جهت حکم نماز فرقی نمی کند؛ زیرا او نیز وقتی تخلی می رود کسی را جای خود می گذارد و می رود تخلی می کند. فرقی با اینکه برای نماز برود نیست. بنابراین خصوصیتی برای صاحب سفینه بودن نیست. به نظر ما استدلال به این روایت نیز دارای اشکال است:

1. مگر در این روایت فرض شده که اگر بایستد متمکن از سجود نیست؟ چنین فرضی نشده است. راوی می گوید نمی تواند بایستد؛، حضرت می فرماید تا می تواند ولو با انحناء قیام را ترک نکند. اصلا در مقام بیان این نیست که حال که قیام می کند نسبت به سجود متمکن از سجود است یا نیست. یعنی اینکه راوی می گوید لایقدر أن یقوم أن یصلی و هو جالس، در این فرض می خواهد بگوید قیام برایش سخت است؛ زیرا اعتدال در قیام را نمی تواند رعایت کند، جواب این است که بایستد ولو اینکه اعتدالش به هم بخورد. بنابراین روایت از این حیث ناظر است که بگوید به صرف سختی دست از قیام برندارد و اصلا راوی تزاحم را فرض نکرده است. فرض نکرده است که یا قیام ایمایی است و یا جلوس با رکوع است. باید سائل اینطور فرض کند تا از جواب امام اینطور برداشت شود، درحالی که چنین چیزی سوال سائل نیست. بنابراین روایت ناظر به فرض تزاحم نیست بلکه می گوید حتی المقدور در قیام واجب به صرف عدم تمکن از اعتدال رفع ید از قیام نکنید. بیش از این مطلب از این روایت فهمیده نمی شود.
2. برفرض اطلاق داشته باشد، با اطلاق دلیل رکوع و سجود تعارض می کند.

#### روایت پنجم: صحیحه حلبی

آخرین روایت صحیحه حلبی است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ قَالَ يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ»[[9]](#footnote-9)

محقق سیستانی فرموده اند ظاهر این روایت این است که شخص استطاعت بر قیام و سجود باهم را ندارد، نه اینکه نه قیام و نه سجود را قادر نباشد. ظاهر این است که مریضی است که همزمان نمی تواند هم قیام و هم سجده با هم کند. نه اینکه یک مریضی است که نه قیام و نه سجده نمی تواند بکند. دلیل ایشان این است که اگر فرض این بود که نه قادر بر قیام و نه قادر بر سجود بود، مناسبت بود که حضرت در جواب بفرمایند که بنشیند و ایماء به جا آورد. در حالی که چنین نفرموده است. معلوم می شود که امام از کلام سائل اینطور فهمیده که شخص قادر بر قیام و سجود باهم نیست. یعنی اگر قیام کند باید ایماء به سجود کند و اگر سجود رود، قیام را باید ترک کند. یعنی گویا راوی مسئله 17 عروه را ترسیم کرده و سوال پرسیده است و حضرت هم صریحا فرموده است قیام مقدم است.

به نظرما این فرمایش عرفی نیست. اگر قرار بود بگوید که قادر بر قیام و سجود با هم نیست، کلمه ی «معا» را به کار می برد یا «لایجمع بین القیام و السجود» را به کار می برد. عرفی نیست که اینطور تعبیر کند و بگوید که منظور عدم قدرت بر کلیهما با هم است. علاوه بر اینکه چنین مریضی نیز معهود نیست که شخص بتواند قیام کند، لکن اگر بخواهد سجده کند قادر نباشد، یا بتواند سجده کند ولی اگر بخواهد قیام کند قادر نباشد. اگر بود یک لفظی که دال بر این مطلب باشد می آورد.

بنابراین ظاهر سوال این است که هر دو را قادر نیست. امام هم فرمود که ایماء کند معلوم است که مراد امام این است که بنشیند و ایماء کند. نیازی به ذکر جلوس نبود. آنچه جوابش روشن نبود این بود که عاجز از سجود چه کند. راوی شرایط این مریض این مریض را می گوید که نمی تواند بایستد و نمی تواند سجده کند، اینکه نمی تواند بایستد را معلوم است باید چه کند، می نشیند ولی اینکه نمی تواند سجده کند را امام به ایماء کردن اشاره می کند. لا أقل ظهور در آن حدی نیست که این فرض تزاحم را فرموده باشد. بنابراین خیلی استظهار آیت الله سیستانی از صحیحه حلبی بعید است.

### عدم تمامیت أدله تقدم قیام با ایماء

تاکنون فرمایشات محقق سیستانی مطرح گردید ثابت شد که قول به تعین نماز قیامی دلیل تمامی ندارد. علاوه بر این، با حرف هایی که زده شد تمام پل ها برای اطلاق در شرطیت قیام خراب می شود. هر حدیثی که مطرح شد یک ایرادی به اطلاق آن گرفته شد. در اینصورت اطلاق ادله رکوع طبعا به دلیل اطلاقی که دارند باید مقدم شوند؛ چرا که هیچ گاه بین دلیل مطلق و غیر مطلق تعارض یا تزاحم برقرار نمی شود و دلیل مطلق باید اخذ شود. این یک مشکله است.

### استدلال های دیگر مطرح شده بر لزوم قیام

برخی همچون محقق سیستانی برای استدلال به لزوم قیام استدلال به آیۀ شریفۀ ﴿قوموا لله قانتین﴾[[10]](#footnote-10) کرده اند، یا به دلیل «قم منتصبا» استدلال کرده اند. اگر این ادله اطلاق داشته باشد تعارض مطرح می شود ولی اطلاق این ادله نیز در گذشته زیر سوال رفت. گفتیم که قم منتصبا می خواهد بگوید «انتصب فی قیامک» و اصلا ناظر به وجوب قیام نیست. وجوب انتصاب را می گوید؛ زیرا در ادامه نیز از پیامبر اکرم نقل می کند که اگر کسی انتصاب نداشته باشد نماز نخوانده است. اما اینکه کجا قیام واجب است را نفرموده است. اما دلیل قوموا لله قانتین نیز قیام در نماز را نمی گوید، احتمال دارد قیام الی الصلاۀ را بگوید. مانند ﴿ قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنى‏ وَ فُرادی﴾[[11]](#footnote-11)‏ که به معنای بلند شوید و بایستید نیست. قوموا لله یعنی برای خدا برخیزید یعنی به سمت نماز برخیزید. لذا شامل مریض هایی که نشسته نماز می خوانند نیز می شود. قام الیها یعنی أراد أن یأتی بها. بنابراین قوموا لله یعنی قوموا الی الصلاۀ، محقق سیستانی فرموده اند این دلیل قیام را می رساند، علاوه بر اینکه قیام وقوفی را نیز در مقابل قیام ماشیا می رساند لذا عدم المشی فی الصلاۀ را فریضه می داند که در قرآن مطرح شده است. در نظر ایشان این آیه اطلاق دارد و فریضه بودن را نیز می رساند. به قرینه ذیل آیه که می گوید «فإن خفتم فرجالا أو رکبانا»، در نماز بایستید، به صورت ایستادن وقوفی، حال اگر در جنگ بودید، فرجالا أو رکبانا، پیاده یا در حال راه رفتن یا درحال سواره رفتن به جنگ نماز بخوانید این قرینه می شود که قوموا به معنای قوموا واقفین است.

جواب این است که برفرض این ذیل قوموا را به قرینه تقابل معنا کنید، نهایتا قوموا به معنای قفوا است، یعنی بایستید یعنی حرکت نکنید. معلوم نیست تقابل بین رکبان و قوموا لله قانتین باشد. یک مطلب کلی است که مبادا نماز را رها کنید. حال اگر فرضی در شرایط جنگی پیش بیاید، می فرماید که چطور نماز بخوانند. سوال می کنند که در جنگ چطور نماز بخوانیم، می گویند همانطور که در حال مشی یا رکبان هستید نماز بخوانید. سوال این نیست که چطور قیام را رعایت کنیم، سوال از اصل نماز خواندن است. مثل اینکه یک سربازی سوال می کند که در جبهه چطور نماز بخوانم؟ می گویند نماز بخوانید و اگر نتوانستید که چکمه ها را در آورید روی همان ها مسح کنید. این تقابل را نمی رساند. فرد غیر خفی آن نماز اختیاری خواندن است. نماز اختیاری خواندن خصوص قیام درونش نیست، نماز اختیاری فرد جلی آن است. اما اینکه اطلاقی در شرطیت قیام داشته باشیم و تعارض با دلیل رکوع و سجود اختیاری داشته باشیم، اینگونه نیست.

پس تا کنون هرچه دلیل بر شرطیت قیام مطرح شد، با اشکالی از جانب ما در اطلاق آن مواجه شد. این بیانات منشأ می شود که ما دیگر نتوانیم قائل به تخییر شویم که مختار محقق خویی بود؛ زیرا تخییر فرع بر این بود که اطلاق در هر دو دلیل منعقد شود. از این رو احوط قول دوم می شود که تعین جلوس و انجام رکوع است و ادله دیگر آن قول را در جلسه اینده بررسی می کنیم. این قول مختار محقق همدانی و سید حکیم است که بررسی خواهد شد ان شاءالله.

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی(أعلام العصر)، ج1، ص638.](http://lib.eshia.ir/10028/1/638/قائما) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص169.](http://lib.eshia.ir/10083/2/169/المریض) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص169.](http://lib.eshia.ir/10083/2/169/المریض) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصباح الفقیه، رضا همدانی، ج12، ص37.](http://lib.eshia.ir/10156/12/37/القیام) [↑](#footnote-ref-4)
5. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص456.](http://lib.eshia.ir/11021/1/456/استطاع) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص298.](http://lib.eshia.ir/10083/3/298/ایماء) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص442.](http://lib.eshia.ir/11005/3/442/قاعدا) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص298.](http://lib.eshia.ir/10083/3/298/حنی) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/القیام) [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره بقره، آيه 238. [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره سبا، آيه 46. [↑](#footnote-ref-11)